

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ بهمن ۱۴۰۰

موضوع کلی: سوره بقره

مصادف با: ۵ رجب ۱۴۴۳

موضوع جزئی: آیه ۴۵ _ بخش اول: «استعینوا بالصبر و الصلاة» _

جلسه: ۴۳

مطلب سیزدهم: استعانت به نماز _

بخش دوم: «و إنها لكبيرة الا على الخاشعين»

﴿ الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين ﴾

مطلب سیزدهم: استعانت به نماز

در بخش اول آیه ۴۵ مطالب متعددی مطرح شد که عمدتاً درباره استعانت بود و استعانت به صبر. درباره استعانت به نماز هم می توان از مجموع آیات و روایات استفاده کرد که اساساً این یک سنت الهی و رایج بین انبیاء و خود پیامبر و بعد از آن هم اولیاء خدا و ائمه معصومین (ع) به شمار می رود. اگر نماز به عنوان امری معرفی شده که باید به کمک آن انسان بر مشکلات غلبه کند، چیزی نیست که قابل فهم و هضم نباشد. نماز که عالی ترین تجلی ارتباط انسان با خدا است، یک حلقه اتصال و پلی است میان انسان و خداوند و قهراً در میانه گرفتاری ها و مشکلات، غم ها و هم ها، اگر انسان به نماز پناه ببرد که در حقیقت پناه بردن به خداوند تبارک و تعالی است، می تواند فواید بسیاری برای مستعین داشته باشد. اینکه عرض شد این یک سنت است و انبیاء عظام الهی هرگاه مواجه با مشکلی میشدند به نماز پناه می بردند، در روایات بر آن تاکید شده و این توصیه را انبیاء پیشین به امت های خودشان هم داشتند. قرآن میفرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا»، به خدا استعانت بجوئید و صبر کنید. اینکه میفرماید به خدا استعانت بجوئید، مؤید مطلبی است که عرض کردم که نماز عالی ترین جلوه ارتباط با خدا و استعانت به نماز در حقیقت استعانت به خداوند تبارک و تعالی است. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) وارد شده: «كَانَ الْأَنْبِيَاءُ إِذَا فَزَعُوا إِلَى الصَّلَاةِ»^۱ پیامبر میفرماید انبیاء اینچنین بودند که اگر مشکلی برایشان پیش می آمد و گرفتار فزع می شدند، به نماز پناه می بردند و از نماز استعانت می جستند. اینکه پیامبر در مورد سایر انبیاء فرمود، خود رسول خدا هم اینچنین بود.

در روایتی وارد شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا حَزَبَهُ امْرُؤٌ إِلَى الصَّلَاةِ»^۲ وقتی خود رسول خدا در شرایط سختی قرار می گرفت به نماز پناه می برد. همه ائمه ما اینچنین بودند، بنا به گفته امام صادق امیر مؤمنان اگر برایش مشکل و گرفتاری پیش می آمد، به نماز پناه می برد. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): كَانَ عَلِيٌّ (ع) إِذَا أَهَالَهُ شَيْءٌ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ تَلَى هَذِهِ الْآيَةَ: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» امام صادق بعد از بیان اینکه امیرالمؤمنین اینچنین عمل می کرد، این آیه را تلاوت فرمود. پس اینکه می گوئیم این یک سنت الهی و توصیه اکید از ناحیه خداوند است و همه انبیاء اینچنین بودند و هم به قومشان این

۱. در المنثور، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲. در المنثور، ج ۱، ص ۱۶۳.

دستور را می‌دادند، به گواهی آیات قرآن و روایات است که بالاخره استعانت به نماز امری است که حتماً ما به عنوان مسلمانان و پیروان نبی مکرم اسلام و اهل بیت باید مد نظر داشته باشیم.

روایتی از امام صادق (ع) در این رابطه وارد شده که خطاب به مسمع میفرماید: یا مسمع ما یمنع أحدکم إذا دخل علیه غمٌ من غموم الدنيا أن يتوضأ ثم يدخل مسجده فيركع ركعتين فيدعوا الله فيهما أما سمعت الله يقول: «و استعينوا بالصبر و الصلاة»^۱. امام صادق میفرماید: چه چیزی مانع شماست که وقتی گرفتاری و غمی از غموم دنیا بر شما عارض می‌شود، وضو بگیرید و داخل مسجد شوید و دو رکعت نماز بخوانید و خدا را در آن دو رکعت طلب کنید، مگر نشنیده اید که خداوند میفرماید: «و استعينوا بالصبر و الصلاة»؟ این راهی است که در غموم دنیا، در مشکلاتی که برای انسان پیش می‌آید، کمک کند و هم آرامش روحی دهد و هم توان برای مقابله با مشکلات و غلبه بر مصائب و سختی‌هایی که در دنیا برای انسان پیش می‌آید.

تقریباً مطالبی که در بخش اول لازم بود مطرح شود، بیان شد.

بخش دوم: «وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

باید دید مرجع ضمیر در «إِنَّهَا» چیست. چه چیزی را خداوند با تأکید میفرماید «لَكَبِيرَةٌ». هم «إِنَّ» و هم «لَام» در «لَكَبِيرَةٌ» به چه مطلبی اشاره دارند و چه چیزی را می‌خواهند بگویند که کبیر است مگر برای خشوع‌کنندگان؟

احتمالات چهارگانه در مرجع ضمیر

در مورد ضمیر «إِنَّهَا» و مرجع این ضمیر، چهار احتمال ذکر شده است. مفسرین این چهار احتمال را ذکر کرده‌اند، حال بعضی سه احتمال، بعضی هم دو احتمال.

احتمال اول: این است که به صلاة برگردد، اى إِنَّ الصَّلَاةَ لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ. یعنی نماز ثقیل است، کبیرة به نماز می‌خورد، مگر بر آنهایی که خاشع‌اند. برای خاشعین نماز سنگین نیست.

احتمال دوم: این است که به «استعانت» برگردد. یعنی درست است که استعانت بعینه در جمله قبلی ذکر نشده، اما از مضمون این جمله به دست می‌آید. وقتی میفرماید: «و استعينوا بالصبر و الصلاة و إِنَّهَا»، اى إِنَّ الاستعانة. این استعانت از همان امر «استعينوا» استفاده شده است. این نظری است که برخی از اهل تفسیر آن را پذیرفته‌اند. آفخر رازی هم این را به عنوان یک احتمال در کنار سایر احتمالات ذکر کرده است.

احتمال سوم: اینکه به همه تکالیف و اموری که در آیات قبل مورد اشاره قرار گرفته است، برگردد. چون در آیات قبل فرمود: «اذكروا نعمتي التي أنعمتُ عليكم»، تا رسید به اینجا که فرمود: «و استعينوا بالصبر و الصلاة». چون انجام و رعایت و توجه به آنها سخت و مشکل است، پس برای اینکه این سختی وجود دارد، به صبر و صلاة استعانت بجویید.

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۹۴.

۲. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸.

چون این تکالیف «لکبیره»، مگر برای آنهایی که اهل خشوع اند. آنگاه اینکه میفرماید خشوع دارند، در حقیقت یعنی اگر کسی اهل خشوع باشد، آن تکالیف برایش سخت نیست، ثقیل نیست و با استعانت به صبر و صلاة آن ثقل از بین می‌رود و دیگر سنگین نخواهد بود. پس احتمال سوم این است که رجوع به همه آن اموری کند که بنی اسرائیل امر به آنها شده اند. از یاد آوری نعمت گرفته تا به آخر.

احتمال چهارم: این است که به حسب ظاهر به صلاة برگردد ولی مقصود هر دو باشد، هم صبر و هم صلاة. یعنی *إِن الصبر و الصلاة لكبيرة إلا على الخاشعين*. اینجا چه بسا گفته شود چطور ممکن است دو چیز به عنوان مرجع باشد، اما ضمیر تشبیه نباشد. نگفته که *إِنهُمَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ*، اگر میخواست به صبر و صلاة برگردد، باید می‌گفت «*إِنهُمَا*»، در حالی که ضمیر در اینجا مفرد است؛ چگونه ممکن است که رجوع به هر دو کند؟

در پاسخ گفته شده که نظیر این در قرآن کراراً بیان شده است. مثلاً در سوره جمعه میفرماید: «*وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا*». می‌گویند وقتی آنها با تجارت یا لهو مواجه می‌شوند، «*انْفَضُوا إِلَيْهَا*». ظاهر این است که ضمیر «هاء» به تجارت بر می‌گردد، اما مقصود هر دو است، نه خصوص تجارت. درست است که فرموده «*إِلَيْهَا*»، اما با اینکه مرجع خصوص تجارت است، روشن است که هر دو منظور است. یعنی به حسب معنا *انْفَضُوا إِلَيْهَا* است.

در سوره توبه میفرماید: «*الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ*».^۱ می‌گویند آنهایی که طلا و نقره جمع می‌کنند و پنهان می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، این «هاء» در «*لَا يُنْفِقُونَهَا*»، به حسب ظاهر به «فضه» می‌خورد، اما مسلم است که خصوص فضه مراد نیست و هر دو را در بر می‌گیرد، یعنی هم فضه و هم ذهب. اینجا منظور این نیست که یکی را پنهان می‌کنند و دیگری را انفاق می‌کنند، بلکه منظور این است که اینها اصلاً اهل انفاق نیستند. اینجا ما یقین داریم که حکم آیه شامل هر دو است و مقصود خصوص فضه نیست، بلکه ذهب را هم در بر می‌گیرد. از این نمونه‌ها در قرآن زیاد است.

اینجا هم درست است که فرموده: «*إِنُّهَا لَكَبِيرَةٌ*»، اما منظور در حقیقت *إِنُّهَا* است و به صورت ضمیر آورده که ظاهرش به صلاة بر می‌گردد ولی هر دو را در بر می‌گیرد. یعنی *إِن الصبر و الصلاة لكبيرة إلا على الخاشعين*. خود صبر سنگین است، واقعا صبر کردن کار ساده‌ای نیست، اینطور نیست که انسان بتواند در برابر خیلی از امور صبر کند، هم صبر در طاعت، هم صبر در مصیبت و هم صبر در معصیت، سخت و سنگین است. نماز هم همینطور چون این کار برای کسی که هنوز خشوع قلبی پیدا نکرده و به عظمت خدا پی نبرده سخت است، اما اگر کسی اهل خشوع باشد دیگر این ثقیل نیست. نه صبر برای او سخت است و نه نماز؛ و استعانت به این دو طبیعتاً به آن سختی نخواهد بود.

بررسی احتمالات چهارگانه

۱. سوره جمعه، آیه ۱۱.

۲. سوره توبه، آیه ۳۴.

این چهار احتمالی بود که در مورد ضمیر «إِنَّهَا» وجود دارد. البته شاید خیلی ضرورتی هم برای ترجیح بعضی از این احتمالات بر برخی دیگر نباشد، اما به حسب ظاهر که با این آیه هم سازگاری داشته باشد بعید نیست بگوییم که احتمال چهارم از احتمالات پیشین اولی است.

به هر حال وقتی امر به استعانت از این دو می‌کند، و میفرماید این سخت است، اگر سختی هم دارد به تبع سختی خود اینها است. لذا بر این اساس احتمال دوم چیزی جدای از احتمال اول و سوم نیست. اینکه استعانت به صبر و صلاة سخت است، سختی به خاطر خود آنها است و الا استعانت چیزی جدای از آنها نیست. اینکه از آنها کمک بگیرید، یعنی صبر کنید و نماز بخوانید. خود صبر کردن و نماز خواندن امری است که سنگین به نظر می‌رسد مگر برای اهل خشوع. لذا احتمال دوم ضعیف است. بنابراین با توجه به اینکه احتمال اول و سوم نقش محوری در این مسئله دارند، چه بسا احتمال چهارم اولی باشد. تنها چیزی که ما را وادار به پذیرش احتمال اول می‌کند، این است که بگوییم ضمیر مفرد آمده و الا منعی ندارد، بلکه رجحان دارد که هر دو را ذکر کنیم. محذور این هم با توجه به مطالبی که گفته شد برطرف می‌شود و در قرآن هم نظیر دارد.

اینکه بگوییم ضمیر «إِنَّهَا» به آن تکالیف بر می‌گردد بدین معنا که این کارها سخت است مگر برای اهل خشوع، به نظر می‌رسد این را هم نمی‌توانیم بپذیریم. ممکن است اینها را بتوانیم به عنوان یک احتمال ذکر کنیم، اما بحث این است که آن تکالیف همگی سخت نیستند و چون مجموع آن کارها برای آنها اینچنین بود، امر به استعانت شد. لذا به نظر می‌رسد که احتمال چهارم اولی است.

در مورد معنای کبیر و خشوع و خاشعین نکاتی باقی مانده که انشاءالله بیان خواهم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»